



دوره هفتم تقنييه

جلسه ۱۷۰

صورت مشروط مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

یک شنبه یازدهم آبان ماه ۱۳۰۹ - ۱۰ جمادی الآخری ۱۳۴۹

داغله : ۱۰ تومان قیمت اشتراك سالیانه خارجه : ۱۲ تومان نک شماره : یکقران

مطبخه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مژروح مجلس روز یکشنبه یازدهم آبان ماه ۱۳۰۹ (۱۰ جمادی الثانیه ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

۱) تصویب صورت مجلس

۲) بقیه شور ثانی لایحه اصلاح قانون ممیزی

مجلس یک ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس شنبه دهم آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند ^{***}

رئیس - آقای طلوع

طلوع - پیش از دستور

رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست ؟

(کفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

۲ - بقیه شور ثانی لایحه اصلاح قانون ممیزی]

^{***} عین مذاکرات مژروح یکصد و هفتادمین جلسه از دوره هفتم تقدیمیه.

۱ مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵
دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

** اسامی غائبن جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبن با اجازه - آقایان : محمد ضیائی حیدری - رهبری - ملکزاده - عباس میرزا - افسر - بوشهری - دکتر سنک - امیر عامری - امیر اعلم - محمد علی میرزا دولتشاهی فرخی - بالزی - آصف - اعظم - اسدی - لرستانی - رحیم زاده - موقر - سهرابخان - حاج سید محمود - کفانی - امیر نیموریات - ارباب یغسر و . حاج غلام حسین ملک - رفیم - محمد آخوند - نیمور ناش غائبن بی اجازه - آقایان : میرزا حسنخان و نویق - همراز - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابو الفضل - حاج حسین آقامهدوی شیخملی مدرس - حاج حسن آقا ملک دیر آمدگان با اجازه - آقایان ضباء - حکمت

دوره هفتم تحقیقی

مذاکرات مجلس

که در ضمن گفته شد و بنده تکرار نمیکنم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا یک اشتباهی شده بود آنها
آقای مصباح فاطمی خبر اظهار کردند که ۶۰ ماه پنج
سال پشود و باید این اصلاح شود یک سئوالی هم از
آقای وزیر مالیه دارم که آن تبصره را که اضافه کردید
آقای کازرونی توجه بفرمایید تارفع اشکال پشود که دولت
مکلف است تاشش همه تقاضای را که باید جنس گرفته
شود اعلام کند خواستم بنده تبصره پیشنهاد کنم ممکن
است خود حضرت اجل علی توضیح بدھید که اگر در
ظرف شش ماه هر نفعه را که دولت معین نکرد حکم شد
همین حکم عمومی باشد و تاشش ماه فرجه باشد از
برای دولت.

وزیر مالیه - این شش ماه که میفرماید حد اعلی است
ما ن یکماه معین میکنیم که کجا ابقاء خواهد شد
رئیس - آقای مؤید احمدی پیشنهاد قبیل خودش را
تعقیب میکنند. قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول نوشته شود رئیس
انجمن بلدیه.

مؤید احمدی - عرض کنم که توضیحات آقای وزیر
مالیه بنده را متعارف نکرد بعثت اینکه می فرمایند
و شدید انجمان بلدی یا از اعضاء انجمان است در همین
مدد خودش نوشته اید جاهائی که رئیس بلدیه نیست
رئیس انجمان بلدی باید باشد. اغلب نقطه ایران الان
بنده در کره افت خودمان اطلاع دارم در رفسنجان
سیرجان و بعضی جاهای حاکم رئیس بلدیه است. از
طرفی میفرمایند صورت درست میکند رئیس بلدیه و
میفرستند وزارت داخله البته بالاطلاع رئیس انجمان
بلدی است رئیس انجمان بلدی هم هر اطلاعاتی که
رئیس بلدیه دارد در قسمت ارزاق و اینها او هم دارد
یک جنبه می هم دارد و آن رئیس بلدیه که حضرت
عالی میفرماید در جاهای دیگر است اینجا از طرف
دولت یک نفر را گذارده اند یک عضو رتبه دو را اسپر

ولی پیش از این رسم نبوده که مأمورین دولت سه چهار
هر پیشتر باشند آنوقت کم کم این مطلب بالا رفت و
این مذاکرات می شود در صورتیکه مالک فردی طرف
دولت نیست و آن مالکیت هم که معین می شوند و آقا
تصور می فرمایند آن راهنم خود دولت یعنی با توافق نظر
حاکم و رئیس مالیه معین هی کند خود حاکم و
رئیس مالیه از مالکین دو قدر را معین هی کند یک تاجر
غله هم زیاد می شود مقصود این بوده است که خود دولت
اساسن را فراهم می آورد آقا خوب حالا که بسط یار
کرده است و دولت مأمورین خودش را که در خارج
هستند در آن جا هستند زیاد کند و همه را خمیمه کنندش
اینکه ما با یکی یکی مالکین طرف هستیم و کشمکش
داریم اینطور که نیست آقا اشتبه نفرماید که مسائل
حقوقی و قضائی را می فرماید این مورد این چیز های نیست
مسئله اکثریت نیست این جا مسئله حاکمیت دولت
است خود دولت در آن جا معین می کند که نرخ جنس
چقدر بوده است متنهی برای زیاد اطمینان آمداند و
یک کمیسونی هم تشکیل دادند ولی این جا طرف می
تعییر را معین کند خوب تلگراف میکند مأمور مالیه
آن جا معین میکند این کار قضائی و حقوقی نیست خیلی
از آقایان نمایندگان که در کمیسون بودند و علاقه
داشتند بکارشان هی فرمودند در کمیسون که اصلاً این
کار را نکنید خودتان در دفاتر دارید که تبیت جنس
شود از حدش هم گذشته است دیگر حالا نهیسم
رئیس بلدیه یاری رئیس انجمان بلدی - رئیس انجمان
بلدی کیست؟ یک نفر از اعضاء انجمان بلدی است که
محاجسا شده، تگاهه از رئیس آن انجمان ممکن است هیچ
نرخش معین شود بهتر است.

وزیر مالیه - از ادارات مابایه بخواهید تمام
شد و رفت. مسئله تعییر جنس طرفت دولت با
تک تک مالکین که نیست و هر مالکی را که
قیمت جنسش را علیحده معین نمی کند. ما خواستیم که
دقیقی کرده باشیم گفتم مأمور مالیه بمعیت (با وجود این
که خود اداره مالیه خیلی هم درست تعیین نرخ رامی
کند و هیچ اشتباهی نمی کند) متنهی برای مزید اطمینان
قلوب گفتم حاکم هم خمیمه باشد بعد گفتد رئیس بلدیه
هم باشد. ممکن است بگوییم رئیس نظمه هم باشد
رئیس بست و تلگراف هم باشد چند نفر دیگر باشند

رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - بنده عرضی ندارم بعضی عرايض داشتم

باشد نه رئیس بلدیه بعثت اینکه رئیس بلدیه مرکز
دولت است آنوقت طرف دولت سه نفر میشود و طرف
مالک دو نفر بنده پیشنهاد کردم که رئیس انجمان بلدی
باشد که هر منتخب مردم است و هم منتخب دولت یعنی
غیر مستقیم از طرف مردم انتخاب شده است و مستقیماً
از طرف دولت انتخاب شده است و حکم وزارت داخله را
در دست دارد او معین شود مجلس هم این پیشنهاد را
قابل توجه داشت و رأی داد ولی این رفته است به
کمیسیون و کمیسیون بازنی پذیرفته است و همان عنوان ماده اول را
نشسته است و بعقیده بنده این برخلاف عدالت است

وزیر مالیه - کاش که آقا در کمیسیون تشریف عیاوردند
و تمام بحث ها و دلائل که اقامه میشد میشنیدند بعد از اینکه
همه صحبتها شده هم لایل شنیده شد کمیسیون اینطور رای داد
و باز رئیس بلدیه را ابقاء کرد این جا بنظر ازشد
مرأقبت در اینکه پیشتر در کار دقت شود اشتباه حاصل
شده است اصل مطابق این است که دولت اگر میخواهد
تعییر را معین کند خوب تلگراف میکند مأمور مالیه
آن جا معین میکند این کار قضائی و حقوقی نیست خیلی
از آقایان نمایندگان که در کمیسون بودند و علاقه
داشتند بکارشان هی فرمودند در کمیسون که اصلاً این
کار را نکنید خودتان در دفاتر دارید که تبیت جنس
چه بوده نرخ چه بوده

طباطبائی بروجردی - اگر در مرکز تعییر

تبصره ۲ - در تقاضای که اداره ارزاق دائز بوده
تعیین نرخ متوسط عادلانه با اختیار کمیسیون خواهد بود
و مجبور نخواهد بود که نرخ ارزاق را مأخذ تاخذ نماید.
مخبر - اجازه میفرماید؟ این شدت ها باید نیز
سال باشد اشتباه شده است

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - در شور اول بنده یک پیشنهادی
کردم و پیشنهاد با کثری قابل توجه شد و برگشت رفت
بکمیسیون و آن پیشنهاد بنده این بود که اینجا مطابق
قواعد قضائی دو قدر طرف دولت هستند پس از انتخاب میشوند
دونفر هم از طرف مالک هستند که از معتمدین محل انتخاب میشوند
یکنفر هم از تجار جنس بتوافق نظر انتخاب میشود و
در واقع تعديل میشود بعد آمدن و رئیس بلدیه را هم
جزویت کردن بنده پیشنهاد کردم که رئیس انجمان بلدی

املاک سهم مؤذی در صورت عدم کفايت آن از بقیه دارائی مستنکف بطور مزایده با دعوت سه نفر از معتمدین محل بفروش رسانده و مطالبات دولت و مخارج ضروری برای این مقصود پیش آمده برداشت نماید.

تبصره ۱ - فروش از دارائی مستنکف موقعی عمل خواهد آمد که یازده روز قبل از انقضای مدت صدوریست روز مؤذی اخطار کتبی شده باشد

تبصره ۲ - در صورت بروز اختلاف بین مؤذیان و مالیه در موضوع تأخیر پرداخت مالیات جرائم موقوّه موقوف المطالبه خواهد بود و وزارت مالیه اختلاف را رسیدگی خواهد نمود در صورت محقق بودن مؤذی جریمه تعلق خواهد گرفت.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم که در شور اول باز بنده پیشنهاد کرم که مستثنیات دین را استثنای کنید بعد که رفت به کمیسیون (آقا سید یعقوب - آن را که آقای وزیر مالیه قبول کردند) نکردم. می بینید دیگر . الان ماده را خواندم . آقای وزیر مالیه قبول فرمودند مخبر هم قبول کردند ولی عجالة در ماده از قلم افتاده است

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی -- در شور اول این قبول شد و آقای وزیر مالیه و مخبر قبول نکردند و هیچ محتاج نبود که در کمیسیون بحث شود . آن هست جزو ماده در قسمت خودش .

وزیر مالیه -- بدھید بنده اضافه بکنم یا همان جا بنویسید بعد از بقیه دارائی مستنکف باستثنای مستثنیات دین .

مؤید احمدی -- اضافه میشود بعد از مستنکف باستثنای مستثنیات دین که در قانون اصول محکمات مصروف است (نمايندگان - صحیح است)

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - مقصود بنده حل شد عرضی ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - البته آقایان در نظر دارند که در جلسه

را گذاشته اند رئیس بلدیه و در يك شهری گذاشته اند لکن رئیس انجمن بلدیه چون از تجار و محترمین هستند که هم دولت انتخاب شان کرده و صورت فرستاده اند وزارت داخله وزارت داخله صورت را فرستاده اند بهبیت دخله هم حکم او را صادر کرده و داده است با آن رئیس بلدیه که آن جا حالا نشته است فرق دارد اطلاعاتش هم خیلی از این رؤسای بلدیه که از اینجا می فرستند بیشتر است هیچ شبکه در این مسئله نیست این است توضیحات بنده . مخبر - جوابی که لازم بود بفرمایش آقا داده شد حالا بسته است بنظر آقایان

رئیس - راجع باین پیشنهاد در جلسه قبل رای گرفته بودیم و قابل توجه شد حالا رای قطعی میگیریم موافقین بایشنهاد آقای مؤید احمدی قیام فرمایند .

(اکثر قیام فرمایند)

رئیس -- تصویب شد . رای میگیریم بماده اول با افزایش آنچه را که از پیشنهاد آقای مؤید احمدی تصویب شد (آقا سید یعقوب - و تبدیل ۶۰ ماه به ۵ سال) این قسمت هم تصحیح شده است موافقین قیام فرمایند .

(غلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . هاده دوم تصویب شده است .

ماده سوم قرائت میشود : ماده سوم - هر مؤذی که اقساط مالیات خود را بموقع مقرره تادیه نکند ملزم خواهد بود که برای هر مبلغی که تادیه نموده است بشرح ذیل علاوه بر مالیات مقرره تادیه نماید .

نیم عذر اضافه

یک عذر اضافه

نود روز تاخیر

یک عشرو نیم اضافه

یکصد و بیست روز تاخیر دو عذر اضافه

تأخیر تادیه مالیات علاوه بر صدو بیست روز جائز نیوده و مأمورین مالیه مکلف خواهد بود از حاصل

۳) - میزان متوسط انواع محصول ملک بر طبق عمل کرد ملک در سه سال از سالهای اخیر بدون آفت ۴) - عواید نقدی و جنسی مالک در سال عادی بدون آفت .

۵) - عده جفت کاو و یا عوامل مشابه

۶) - تناسب تقسیم محصول بین مالک و رعیت

۷) - مخارج معمولی ملک در هرسال

نسبت با مالکی که در اجاره هستند اطلاعات مذکوره باید با مضای مالک و یا نماینده آن و مستاجر ملک باشد وزارت مالیه مکلف است که از تاریخ تصویب اینقانون منتهی تا دو ماه تمام وسائل اظهار نامهای فوق را در محل نمایه و اعلانات لازمه را چه بوسیله مأمورین خود و کخدایان قراء و چه بوسیله نشر در جراید منتشر سازد و اوراق اظهار نامها را تهیه و بدسیر ملک اینکنی کذارد .

تبصره - مالک میتواند نسبت بمحصولانی که خود بهره از آن ندارد و یا مقاطعه است از متصرفین اظهار نامه کتبی راجع بمحصول بقید التزام متعدد مسئولیت گرفته نتیجه این اظهار نامه ها را در اظهار نامه خود که بدولت میدهد درج نماید در اینصورت در موقع ظهور اختلاف در این قسمت جریمه مذکور در ماده (۷) (بمتصرفیان مذبور متوجه خواهد شد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا اصلاحاتی که باید بشود شده و من خیلی تقدیر میکنم هم کمیسیون را و هم آقای وزیر مالیه را که بعضی شباهانی که بود رفع کردند ولی باز بعضی شباهات هم هست که باید رفع شود یکی این است نوشته است اگر ملک در اجاره باشد باید آن اظهار نامه با مضای مالک و مستاجر باشد هنلاً اگر مالک در اینجا نباشد و رفقه است بامریکا ملکش را هم اجاره داده است دستش هم تا دو ماه نمیرسد در اینجا خوبست این اختیار را بدهند که در صورتیکه مالک در مملکت نباشد همان امضاء مستاجر کافی باشد . موضوع دیگر راجع بمسئله

کذشته بنده یک پیشنهادی کرم که قابل توجه شده بود راجع به وجه التزام یعنی تبدیل کلمه مکلف است بمحاذ است و پیشنهادی هم دادم در مجلس تصویب شد آقای وزیر مالیه هم تصدیق کردند زیرا که کلمه مکلف است حکم تکالیفی است و نمیتوانند نفوذ نمایند - آقای مخبر هم موافقت فرمودند نیمی از چطور شده است در کمیسیون این نکته که کمال اهمیت را دارد از نقطه نظر عمل فراموش شده است خواستم از آقای وزیر مالیه استفسار کنم که اگر بعقیده سابق خودشان باقی هستند اصلاح کنند که مکلف خواهد بود تبدیل شود بمحاذ خواهد بود وزیر مالیه - بل اشتباه شده مکلف خواهد بود باید بمحاذ خواهد بود بودنشود . مأمورین مالیه بمحاذ خواهد بود از حاصل احتمال املاک سهم مؤذی الی آخر

رئیس - ولی راجع بیک قسمت دیگر از پیشنهاد آقا که قابل توجه شد و بکمیسیون ارجاع شد کمیسیون

ترنیب اثرب نداده است .

شریعت زاده - در آن قسمت عرضی ندارم

رئیس - آقا بار دیگر ماده را میخواهیم و رأی می کریم .

(مجدداً ماده سوم با اضافه جمله باستثنای مستثنیات

دین که در قانون اصول محکمات مصروف است بعد از جمله بقیه دارائی مستنکف و تبدیل جمله مأمورین مالیه

مکلف خواهد بود بمحاذ خواهد بود قرائت شد)

رئیس - موافقین با ماده سوم قیام فرمایند

(اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده چهارم فرائت میشود:

ماده چهارم - کلیه مالکین و یا نمایندگان آنها مکلفند

که شست روز بعد از تصویب اینقانون منتهی در ظرف سه ماه اطلاعات ذیل را کتاباً باداره مالیه محل و یا

نماینده آن تسلیم نمایند اداره مالیه هم مکلف بدادن

بررسید خواهد بود

(۱) - اسم ملک

(۲) - اسم مالک

مذاکرات مجلس

صفحه ۲۹۸۹

رعيت و حاصل رعيت است که عنوان کردید. ما نميتوانيم آن معين کنيم عوائد رعيت را که بعنوان متصدي معين کردند اگر متصدي اين کار را نکرد تکليف را وزارت ماليه و فائزون متوجه بمالک ميکند که مالك مكفت است آن قسمت از سهم خودش از عوائد خودش را صورت بدهد و نسبت بمتصدي آن رعيت باشد یا دیگري باشد که حسب المقاطعه داده است باید از او صورت بگيرد اگر نداد من که قوه حاكمه ندارم آقا که حکومت داشته باشم در صوريکه او غفات بکند و اندهد من چه بلنم من عمل خودم را کرده ام اظهار نموده آمده است پيش من و من صورت محصول خودم را از روی آن چيز که عوائد خودم است بر هيدارم و مينويسم و هيدهم و اها نسبت برعيت حسب المقاطعه است که داده ام صيفي و شتوی فلان آن که صورت بمن نداده و علت اينکه ما او را مالک نارده ايم اگر در صورت تخلف او تخلف کرد حالا ولو من فشار خودم را می آورم آن بهده اگر تخلف کرد و نداده اينجا آن عقاب و جريمه که نسبت بمالک معين شده در صورت تخلف متصدي غرض اين است که اينجا هچيچه باید پيش هستند....

ملک مدنی - عرض کنم که اين ايراد آقای آقاسيد يعقوب تقريباً وارد است ولی ماده پنج رفع اين اشكال را ميکند برای اينکه در ماده پنج در صورت تخلف تکليفي بدان اظهار نامه اگر اين تکليف در قسمت سهم رعایا باشد بن خود آنها متوجه ميشود و اگر تخلفي کند همان طوری که در ماده پنج معين شده است عهده دار بمحاجز است خودشان هستند....

طلوع - رعيت و زارع را بجزات ميکنيد؟ **ملک مدنی** - بلى بلى (طلوع - برای چه ؟) برای اين که اين قضيه خيلى در مجلس و در کميسيون صحبت شد خود حضرت عالي هم تشريف داشتند آن جا مذاکرات زياد شد در الواقع اغلب اشخاصی که علاقمند بودند که اين ماده بصور جامعی تصويب شود در کميسيون بودند و اينطور تصويب شد و مذاکره شد و اين فرمول اخير در نظر گرفته شد که آن جاهائي که مالك با رعایا عمل مقاطعه ميکند و بالآخر همان صورت اينجا آقاقيد گردید که مالك يانماینه او از برای اينکه نماینده مالك قائم مقام او باشد که در اين حضرت عالي منصفانه تصديق گردید اصلاحاتي که لازم فرمودند مالك اطلاع صحیحی از ميزان عایدات محصول صيفي و باغات و بيش و اين قسمها ندارند اين قسمت ها را مكلف کنند که خود آنها مكلف شدند بدان صورت بدهند و البته وقتی خود آنها مكلف شدند بدان صورت مكلف هستند که از روی واقع و صحت بدهند و اگر هم تخلف گرددن برطبق اين موادی که اينجا معين شده اگر جرائمي متوجه خودشان می شود و اين قضيه مسلم شد که خود مالك در قسمت صيفي و باغات است که خود مالك صورت ميدهد و آن چه که راجع به رفع اشكال بشود چون محصول ملك آن چه راجع بمالك هست

غير و تکليفي است که راجع بخودش است. در اين جا در صورت مجلس نوشته نشده بود توسيع داده شود که رفع اشكال باشد چون محصول ملك آن چه راجع بمالك هست که خود مالك صورت ميدهد و آن چه که راجع به هتصدي است که رعيت يا مستاجر باشد بنده که مالك هستم برعيتم ميگويم صورت عایدات را بده صورت

مذاکرات مجلس

دوره هفتم تقاضیه

مي کنند اما نسبت بکسی که آمده و مالياتش را یا اشتباها یا عمداً کم گفته آنوقت مجازات باین سختی در اين ماده هست که حواله مي کنند بمحاجزات در ماده هفت مجازات ماده شش را که درصورتیکه دوعشر باشد يك عشر باشد دو مقابل تخلف که دوعشر باشد پنج مقابل باید جريمه بگيرند در ماده هفت اين است که پنج مقابل از عایدات ملك خلاصه اش اين است که اگر کسی ده هزار تoman عایدیش باشد و مالك آمد پنجهزار تoman صورت داد آنوقت پنجهزار تoman اينجا تخلف شده است آنوقت جريمه اين پنجهزار تoman چند است شود؟ بيست و پنجهزار تoman اينجا بهينه اين چيز است که ممکن است و مي شود داد؟ ابدأ نمي شود داده دولت ميتواند بگيرد؟ نمالك مي تواند بدهد؟ ابدأ نمي شود پس اينجا هم همانطور که نسبت بسارفين و خائين مبناتان بمهر باني است نسبت بمالك و زارع هم مبناتان برآفت و مهر باني باشد آنها رافت و مهر باني ميکنند که کسی تواند نفس بکشد و پا مي شوند چند است بهم بپيش ميگويند اما در اينجا هيجكس حرف نمي زند بنه تقديره ام اين است همان رافت و مهر؟ نهي زنكه نسبت بدیگران ميکنند در اينجا هم قرار بدهيد که در صورت تخلف دوبار بر ماليت آن یا پنج برادر آن متدارزيکه کسر گفته گرفه نشود که پنجهزار تoman تخلف در اصل عایدات بيست و پنجهزار تoman شما جريمه برای او قرار بدهيد اين از جمله مصالب نشدنی است و اسباب رحمت خود دولت و رعيت خواهد شد پس جريمه تخلف را دو برابر ماليات و پنج برادر ماليات قرار نديد.

وزير ماليه - گوين بعضی از آقایان که دغدغه خاطری داشتند نسبت بمحصول مالك بود که ميگفتند شايد آم کاملاً تواند درست بگويد و يك عشر ممکن است اشتباه کنند بعد تقاضا گرددن نوشته شود دوعشر ولی همان آقایان ميگفتند که اگر مالك بگويد ممکن است يش از دو عشرهم اشتباه داشته باشد چون عایدات خودش را تها ميداند چنانکه يك مثلی مياوردنده که گريلک کسی سه تoman و نيم عایدات يا حاصل دارد هفت قرانش را

بخواهد و قيکه مراجعه گردد به آنها بخوبیکه ملاحظه کرديد در ماده صريح و روشن نوشته است که خود رعایا صورت را تهيه کنند و مياورند بدهند بمالك و مالك از روی صورت آنها اظهار نامه بدهد اين برای اين بود که همان اشكالاتي که در مجلس پيش آمد گرده بود و وارد هم بود همه مهاها اطلاع داريم منحصر يك نقطه مملكت هم نیست تمام قسمت هاي مملكت در جنوب و شمال و شرق و غرب همه باين مسئله متوجهاند و مبتلا بهشان است که باريست در خصوص صيفي و بيش و باع و چيز هاي جزئي دیگر مقاطعه ميکند وهچ مالکين از عایداتش اطلاع ندارند و قيکه دولت مي خواهد يك احصائيه داشته باشد که ميزان محصول در دستش باشد باید به آنکيکه عمل ميکند رجوع گند و الا مالكي که در طهران نشسته و از هچ چيز خبر ندارد که در فارس چه معامله مي شود باید او را ملزم کردو و قتي هم که ما ملزم کرديم خود زارع بدهد البته خودشان هستند....

طلوع - رعيت و زارع را بجزات ميکنيد؟ **ملک مدنی** - بلى بلى (طلوع - برای چه ؟) برای اين که اين قضيه خيلى در مجلس و در کميسيون صحبت شد خود حضرت عالي هم تشريف داشتند آن جا مذاکرات زياد شد در الواقع اغلب اشخاصی که علاقمند بودند که اين ماده بصور جامعی تصويب شود در کميسيون بودند و اينطور تصويب شد و مذاکره شد و اين فرمول اخير در نظر گرفته شد که آن جاهائي که مالك با رعایا عمل مقاطعه ميکند و بالآخر همان طوری که آقای اورنگ تشریع فرمودند ساير آقایان هم فرمودند مالك اطلاع صحیحی از ميزان عایدات محصول صيفي و باغات و بيش و اين قسمها ندارند اين قسمت ها را مكلف کنند که خود آنها مكلف شدند بدان صورت بدهند و البته وقتی خود آنها مكلف شدند بدان صورت مكلف هستند که از روی واقع و صحت بدهند و اگر هم تخلف گرددن برطبق اين موادی که اينجا معين شده اگر جرائمي متوجه خودشان می شود و اين قضيه مسلم شد که خود مالك در قسمت صيفي و باغات است که خود مالك صورت ميدهد و آن چه که راجع به هتصدي است که رعيت يا مستاجر باشد بنده که مالك هستم برعيتم ميگويم صورت عایدات را بده صورت

فirooz آبادي - بنده عرض گردم در ماليات گرفتن باید بنا را برافق و مدارا گذاشت در مجلس همديروز عرض گرده که نسبت بکسانی که همه قسم خدمات بمردم از حيث سرقت و غير سرقة ميکند آقدر مدارا ميکند حتى اگر يك کسی اينجا اظهار کند که بمحاجزات باید شدید شود هزار قسم صحبت ها باو از قبيل آقای ياسائی

رئیس آفای شریعت زاده - طلوع چرا اینطور است) نه آقا هیج

رئیس - آفای عدل
عدل - موافق.

رئیس - آفای شریعت زاده
شریعت زاده - عرضی ندارم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
یاسائی - بندۀ عرضی دارم

رئیس - بفرمائید
یاسائی - عرض میشود بندۀ با این پیشنهاد اصلاحی که

در کمیسیون مالیه کردند مخالفم معلوم میشود آفایان تمام اصلاحشان در ماده این بوده است که چطور منع میشود این نتیجه رای کمیسیون است و بندۀ اصراری در تبصره ندارم و همانطوریکه فرمودید ممکن است تجزیه شود

رئیس آفای شریعت زاده

زارعی در این مملکت نیست که بدون شور با اربابش یک میگرفتند در یک مورد دیگر که لازم میشود یک مقدار خیلی بزرگی را میگویند که اگر کسی ده هزار تومان عایدی داشت پنجهزار تومان اشتباہ کرد باید بست و پنجهزار تومان جریمه بدهد بندۀ عرض میکنم که باید او را صد هزار تومان جریمه کرد و مملکش راهم توفیق کرد که همچو دروغ باین بزرگی راگفته در ده هزار تومان کسی ممکن است اینقدر اشتباہ کند میفرمائید سایر تقصیرها را مجازات میکنند مگر دروغ از مجرمات شرعیه نیست اگر کسی شراب بخورد چرا او را مجازات میکنند ولی اگر یک مالکی یک دروغی کفته میگویند چرا این را مجازات کردید خوب دروغ از بزرگترین کنایان ما است (صحیح است) مگر اینکه بگوئید آدم اگر دروغ بگوید و کمرک ندهد خوبست و نواب دارد اگر دروغ بگوید و مایلتش را ندهد خوبست اگر بدولت هم دروغ بگوید و بمخارج عمومی مملکت خیانت بکند و ملکی را که ده هزار تومان عایدی دارد پنجهزار تومان صورت بدهد خوبست ولی خیر جریمه این آدم بست و پنجهزار تومان هم خیلی کم است اگر همچو آدمی که تا پنجاهم سال دیگر میخواهد هرسال پنجهزار تومان از مالیات دولت بددید یک چنین آدمی را باید هم جریمه کرد و حبس هم کرد

رئیس - آفای عدل
عدل - موافق.

رئیس - آفای شریعت زاده
شریعت زاده - عرضی ندارم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
یاسائی - بندۀ عرضی دارم

رئیس - بفرمائید
یاسائی - عرض میشود بندۀ با این پیشنهاد اصلاحی که

در کمیسیون مالیه کردند مخالفم معلوم میشود آفایان تمام اصلاحشان در ماده این بوده است که چطور منع میشود این نتیجه رای کمیسیون است و بندۀ اصراری در تبصره ندارم و همانطوریکه فرمودید ممکن است تجزیه شود

رئیس آفای شریعت زاده

نمیگیرید مراعات اورا هم بکنید مگر مالک اهل این مملکت نیست شما میفرمائید وقتی که کسی مالک واقع شد تمام فشارها را به رعیت وارد میآورد مثلاً بنده که دو شعبیر ملک دارم اینجا اجتناب دارم که دفاع از مالک بکنم بنده عرض میکنم مالک است که رعیت را زنده نگاه داشته است که در این مملکت اگر مالک نباشد رعیت هیچ کار غایتواند بکند مالک آن علاقه که بر عیتش دارد مثالی است در صفحات ما که اورا مثل اولاد خودش میداند (صحیح است) ...

طلوع - او نباید مجازات بشود ملک مدنی - اجازه بفرمائید وقتی که شما بیائید اینجا در قانون مجازات قائل شوید که فوقی که او مختلف کرد پنج برابر باید بدهد بنده الان قضیه را تشریع میکنم که اساساً مالک غایتواند این اظهار نامه را امضاء کند (طلوع - بنده خودم هم مخالف هستم و بنده اول عرض کرده) ما با این قانون ملزم میکنیم مالک را که عایدات سهم خودش را در اظهار نامه تعیین کند و اظهار نامه را بمالیه تسلیم کند اگر هم تخلف کرد پنج برابر اورا جریمه بپردازد. این مملکت قسمت زیادیش بیشه و باغ دارد حالا صیفی را که بگذاریم باغ در یک جریب هزار ذرعیش که پنج خروار عایدی دارد مثلاً یک تومان مالک میگیرد و غالب معاملات این مملکت هم بنده میخواهم عرض کنم که اتفاقاً هیچ مالکی از باغ بهره جنس میگیرد و نقدی است و بطور مقاطعه است از هر جریبی یا یک تومان میگیرد یا پنجهزار میگیرد یا پندرده فران میگیرد این مالکی که یک تومن یا پنجهزار میگیرد از کجا میفهمد که چقدر عایدی دارد نه خودش نه آباء و اجدادش عمل بجزء نکرده است که بفهمد بهره اش چیست و چقدر عایدی دارد و ما میخواهیم او را مجبور کنیم که تو بیا و صورت عایدات را بده اگر هم تخلف شد و میشود از شما میخواهد اورا ملزم کنید که عایدات رعیت را صورت بدهد و اگر چنانچه تخلف کرد مجازات بر او مترب شود (طلوع - زارع چه چیز دارد که ازش جریمه بگیرند؟) اجازه بفرمائید همانطوری که شما دارید طرف زارع را میگیرید طرف مالک بیچاره را هم که تمام عوارض در این مملکت برداش او است

شریعت زاده - موافق
رئیس - آفای طلوع

طلوع - بنده مخالف همانطوریکه آفای بسائی فرمودند اولاً آفای ملک بنده در این قسمت در کمیسیون نبود آنجا در کمیسیون اختلاف بود در اینکه اگر مستأجر برایش آنجا حق قائل شدیم که آمد این اظهار نامه را امضا کرد اگر مستأجر اعمال غرض با مالک کرد و مالک هم مسافت کرده بود و بخوبی تکلیف چیست؟ بنده معتقد بودم که امضا کننده این اظهار نامه اعم از مالک بانمایند مالک یا مستأجر هر کس امضا کرده است مسؤول امضاء خودش است و باید مجازات شود اما زارعین را آمده اند آنجا مسؤول اظهار نامه قرار داده اند بعقیده من این عملی نیست برای دولت هم عملی نیست شما آمده اید برای امضای اظهار نامه مجازات قائل شده اید یک زارعی که بهیچوجه من الوجه غایتواند آذوقه خودش را تامین کند شما چه مجازاتی باومیکنید چه دارد که میخواهید جریمه اش بکنید فقط چیزی که باید محصول را صورت بدهند و آن چیزی که سهم مالک است دولت بداند کفته شد که شما عایدات را میخواهید چکار با محصول دارید ما میخواهیم بدانیم آن چیزی که محصول املاک است چه چیز است م اظهار نامه ها را پنجاه فقره چیز نوشتم خیلی سنگینش نکردیم هفت هشت تا چیز نوشتم که از برای مالیات و احصایه و همه چیز مملکت در آتیه لازم است چه مالک بدهد و چه کس دیگر خواه مالک از کس دیگر بگیرد و بدهد و در قانون دولت که نوشته است که مالک باید عایدات و محصول ملک خودش را صورت بدهد و در محصول ملک هم وسعت داده شده است و گفته شده است تا دو عشر یعنی تا بیست من در صد من میتواند اشتباہ بکند و آن اشتباہ معاف است ولی آفایان این ایراد را در جلسه گذشته کردند و بکمیسیون رفت و این نتیجه رای کمیسیون است و بنده اصراری در تبصره ندارم و همانطوریکه فرمودید ممکن است تجزیه شود

رئیس آفای شریعت زاده

- ۹

قضیه را گرفتیم و دیدیم که این تکلیف باید به عهده آن کسی باشد که خودش عمل میکند و عهده دار جمع آوری حصول است آن کی است؟ زارع است حالا شما میخواهید اصلاح کنید بنده عقیده ام این است آن بهتر است که قانون را اغوا کنید یک هفته وقت مجلس تلف شده است و این تبصره ماده را لغو خواهد کرد

آقا سید یعقوب - بنده مخالف اجازه میفرماید؟

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده این موضوع را همانطور که آقای تقی زاده نهایت ملاحظه فرمودند این موضوع را اول بعضی از آقایان با بنده اظهار کردند و بنده کاملاً عقیده ام با آقایان است برای خاطر این که آقای طهرانی بیان کردند ولی خدا شاهد است که این جور نسبت برای این که غالباً مالکین اطلاع ندارند (صحیح است)

برو آن جا (یشت تربیون رفتند) صرکنید آقایانه میخواهم عرض کنم که چرا مالکین اطلاع ندارند هنوز در مملکت ما این ترتیب مرتب نشده است که مالکین هایک حساب مرتبی داشته باشند هنوز تجارمان یک حساب هرتبی ندارند که یک اطلاعات کافی از زندگانی خودشان داشته باشند نهایت در دوره این پادشاه ایران میرود که یک اطلاعاتی مالکین نسبت به مالکان ییدا کنند تاجر ش نسبت به تجارتش اطلاع پیدا میکنند رعیتش نسبت به زراعتش و فلاحتش تقریباً تاسیس مملکت هفت سال، هشت سال است شده است که داریم حالا وارد میشویم بوائی واش در یک زندگانی دیگری. پس غالب مالکین اطلاع ندارند حقیقت اطلاع ندارند که چند تا رعیت دارند و رعیتشان چطور زراعت میکنند زراعتشان چه ترتیب است حسب المقاطعه که میدهد کسی که در ولایات ملکی داشته باشد میداند که میکوید صیفی را حسب المقاطعه دادم جریب یک تومان میکردم ولی او چه میکارد آنجا کدو هندوانه خربوزه همینطور صیفی جات دیگرش را هیچ نمیداند اینکه آقای

یاسائی فرمودند که خیر بکی بکی قسم است که رعیت باطل اع مالک کار نمیکند اینکه فرمودید که در یک مورد این نقص وارد میشود این نقص که بر عموم وارد نمیشود پنجهزار تومان فایده میبرد و عمل میکند این تقریب

یک وقت دیگر اقتضا کرد و مجلس رأی داد که از آن چیزی که امروز مالیات گرفته نمیشود مالیات بگیرند (فرض است) باز باید دوباره معیزی کنند؟ دولت ت خواهد که بداند در تمام مملکت چه محصولی هست شما میفرماید که از این محصول مالیات نمیدهد یعنی به مالک بھر نمیرسد که مالیات بدهد. یک چیزی هست که به مالک سهم میرسد ولی بدولت مالیات نمیدهد یک وقت چیزی هست که از آن چیزی سهمی به مالک نمیرسد و مثلًاً نقدی میگیرد و به دولت مالیات می دهد یک وقت هست که مالک چیزی میگیرد و رعیت همیدهد و بدولت هم از آن مالیات داده میشود آن قسم سوم است خوب اگر چیزی بدولت میرسد خوب البته مالیات دهنده مسؤول است که عایداتش را صورت بدهد چه رعیت باشد و چه مالک کل باشد اگر دهنده علاقجاتی باشد که مالک جزئی دهنده باشد اگر دهنده یک مزرعه کوچک دارد البته دولت واداره مالیه با آن هم طرف است همیشه که مالیات دهنده مالک کل نیست مالیات است جرم داشته باشد اما اگر از طرف رعیت خلاف مالیات است جرم داشته باشد و الان هم بنده با آقای ملک آرائی صحبت میکردم که خدا کنند این وزیر مالیه موفق شود به میزبانی و بعمل یمندازد و حالا شما چه میفرماید و لا هیچ جا مثل مجلس رأی به قانون شما نمیدهد در عمل خواهید دید اما این قانون ممیزی هفت سال است گذشته تازه سه ماهه اش جریان ییدا کرده است حالا شما میگیرد این یک چیز فوق العاده نیست که زارع یا آن کسی که مالک جزء است دولت با او طرف شود ولی مطلب این حا است که هر دو چیز را آقایان میدانند از یک طرف میگویند که حتی الامکان خوب است که مالک مادر حساب باشد و یک قلعه دور ملک خودش داشته باشد که هر کس هر چه میخواهد از او بخواهد و هر کس هر حرفی دارد باو بگوید و آنوقت میگویند شما بگوئید... رئیس - (خطاب به آقای وزیر مالیه) آقا نام بفرماید عده مان برای مذاکره کافی نیست.

(در این موقع چند نفر از آقایان نایندگان وارد مجلس شدند)

وزیر مالیه - یکطرف میگوئید که هر چه میخواهد سوال کنید از مالک برسید میگوئیم خوب از خودت میبریم آنوقت که سوال میشود میگویند نمیدانیم و

عموم مالکین را که ملاحظه بفرمائید اینست که بنده عرض میکنم بنده و جنابعالی و همه که موافقت میکنیم و از آقای وزیر مالیه تقاضا میکنیم که آن مالک که مالیات میدهد او اظهار نامه بدهد و در صورت تخلف هم او جریمه بشود نسبت به آن امر دومش آن امری است در واقع دولت میخواهد بتوسط مالک و توسط رعیت اطلاع از محصول مملکت خودش پیدا کند لازم نیست که اینجا عقابی داشته باشد و بمالک بگوید اگر مالک مختلف کرد در دادن صورت آن عوائد آن عقاب برش مترتب است و مجازات دارد اگر خلاف واقع نسبت بر عیت بود جرم قائل نشود چون دایلی ندارد تکلیف کنید مالک و رعیت را بصورت دادن و اگر صورت واقعی نداد جریمه اش کنید اگر هم جریمه نشود اینرا بداند که عقیدت و مالک هم اینصورت برو آن جا (یشت تربیون رفتند) صرکنید آقایانه نمیخواهم عرض کنم که چرا مالکین اطلاع ندارند هنوز در مملکت ما این ترتیب مرتب نشده است که مالکین هایک حساب مرتبی داشته باشند هنوز تجارمان یک حساب هرتبی ندارند که یک اطلاعات کافی از زندگانی خودشان داشته باشند نهایت در دوره این پادشاه ایران میرود که یک اطلاعاتی مالکین نسبت به مالکان ییدا کنند تاجر ش ممکن است اختلاف داشته باشد؟) ماده را اصلاح کنید این نفره عایدات تقریبی را که مالک صورت میدهد طوری ماده را بنویسید که مجازاتی متوجهش نشود (اورنک نمیشود دولت میخواهد میزان محصول را بداند) آقا

اجازه بدھید فرمایشی دارید بیایید اینجا بگنید این ماده گذشتن این ماده طرف کردن دولت است با تمام طبقات این مملکت یعنی طبقه زارعین وبالآخره لفوشن این لایحه و این ماده است و غیر از اینهم چیزی نیست برای اینکه چطور آقامالک نمیداند که عایدی ملکش چه چیز است؟ اگر نمیداند تقریبیش را که میداند دو هزار تومان است سه هزار تومان است تقریبیش را اجازه بدھید بنویسید که رعیت سه هزار تومان، چهار هزار تومان، این نقص وارد میشود این نقص که بر عموم وارد نمیشود

طلاع نداریم بالاخره یکی از این دو طریق باید حل شود یا این است که شما میرمائید که مالک یک طوری میتواند صورت بدهد ولی بطور تحقیق نمیتواند بگوید گفته میشود که یک عشر هم میتواند اشتباه کند سه عشر هم میتواند البته میداند که اگر چنانچه یک مخصوصی دریک ملکی باشد و یک اشخاصی بخواهد از مخصوص آن ملک تحقیقاتی بگذراند برای تحقیق از همه تردیکتر همان خود مالک است حالا ممکن است دولت تحقیق کند امین مالیه تحقیق کند، تخصیلدار تحقیق کند، کخداد تحقیق کند مالک تحقیق کند از همه بهتر کی میتواند تحقیق کند؟ خود مالک چون او تردیکترین کس است نسبت به ملک از آن ندارد و یا مقاطعه است از متصدیان اظهار نامه کتبی راجع به مخصوص بقید التزام تعهد مسئولیت گرفته نتیجه این اظهار نامه را در اظهار نامه خود که به دولت میدهد درج نماید. در اینصورت در موقع ظهور خلاف در اینقسمت جریمه مذکور در ماده ۷ بمقصدیان مزبور متوجه خواهد شد

رؤیس - پیشنهاد آقای اعتبار را که آقایان پیشنهاد کردند اینجا تقسیمش با رعیت است چنانکه خود پیشنهاد میکنم دو عشر تبدیل به سه عشر شود و تبصره حذف شود.

رؤیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرض کنم بعیده بندۀ استدلالات هردو طرف وارد بود اگر بگوئیم که رعیت اگر دروغ گفت جریمه بشود ممکن است که همانطور که آقای بایانی فرمودند رعیت با نظر مالک اینرا تهیه بکند و از آن طرف جریمه برای او مورد ندارد و مالک هم اگر جریمه زراعی را که از آن اطلاع ندارد بدهد آنهم مورد ندارد باین جهت بندۀ فکر کردم که آن اشتباهی را که تصور میروند مالک بکند همانطور که آقای وزیر مالیه خودشان فرمودند یکقدری و سعت بدھم دو عشر را بکنید سه عشر و بعد هم اگر تبصره را حذف کنید بنظر بندۀ بهتر است

وزیر مالیه - اگر اینطور که آقایان اظهار میکنند صیغی و شتوی را اگر از هم مجزی بفرمایند مانعی ندارد صیغ سه عشر شتوی دو عشر

بعضی از نمایندگان - صیغ سه عشر شتوی دو عشر اعتبار - بندۀ هم با این نظر موافقم. صیغ سه عشر سه سال گذشته را از کجا بروم من صبورت بدhem این یک چیزی است که بکلی بعقیده من غیر ممکن است یاسائی .. مالک نتواند رعیت میتواند آقا!

رؤیس - خوب آقا! خبر اظهار موافقت نکردن؟
مخبر - بندۀ هم قبول میکنم

رؤیس - پیشنهاد آقای اعتبار را؟ (مخبر - بی) بچه جور مخبار - دو عشر برای شتوی سه عشر برای صیغی بعضی از نمایندگان - مخالفم

رؤیس - خذف تبصره را چه میفرمائید?
مخبر - موافقم

بعضی از نمایندگان - حذف تبصره نمیشود وزیر مالیه بندۀ میبینم هر یک از آقایان یک عقیده دارند و یک وجه حق پیشنهاد میکنند من میدانم هر چه میشود آقایان یک جوری بفرمایند که اتفاق در مازندران و آذربایجان و قزوین و عراق و اغلب جاهای ایران املاکش تقسیمش با رعیت است چنانکه خود بندۀ پارسال مازندران بودم یک شکل مخصوصی است گندم و جو و برنج در مازندران قسمت میدهند بنیه کارپرای قسمت نمیدهنند در بعضی جاها در باغات قسمت نمیدهنند جریبی میدهنند صیغی کارپرای اصلاً بعضی جاها به مالک چیزی نمیدهنند و بعضی جاها اگر نمیدهنند بطور مقاطعه میدهنند در این قانون نوشته شده است که سه سال مخصوصی را مالک صورت بدھد دو عشر یا سه عشر سالدارد آن شخص چطور میتواند معین کند وقتیکه شما کاری که حقی ندارد صورت عایدی سه سال گذشته آن را صورت بدھد که یک رعیت پنج تومان یک رعیت ده تومان صیغی کاری گردد است و برای خودش هم بوده است حسابش را مسئولیتش را قبول کند؟! بمن هر قدری تحمیل میکنید بقدرتی باشد که در قدرتمن است من چطور علم را ایجاد کنم دارای علم غیب بشوم که رعیت در این مالک چقدر مخصوص داشته این یک تکلیف مالایطاًی است که بعقیده بندۀ نمیشود جریمه مهدوی - عملی نیست

رؤیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - اگر آقایان اجازه بدھند بندۀ یک نظری دارم عزم کنم بندۀ و هر کسی که طرفدار اصلاح مملکت شده است باید معتقد بشود که آسایش زارعین تأمین شود برای این که این

بعضی از نمایندگان - صیغ سه عشر شتوی دو عشر اعتبار - بندۀ هم با این نظر موافقم. صیغ سه عشر شتوی دو عشر

مهدوی - بندۀ با حذف تبصره مخالفم
رؤیس - شما مخالفید آقا

مهدوی - بی
رؤیس - بفرمایید

بعضی از نمایندگان - مخالفم
وزیر مالیه بندۀ میبینم هر یک از آقایان یک عقیده دارند و یک وجه حق پیشنهاد میکنند من میدانم هر چه میشود آقایان یک جوری بفرمایند که اتفاق در مازندران و آذربایجان و قزوین و عراق و اغلب جاهای ایران املاکش تقسیمش با رعیت است چنانکه خود بندۀ پارسال مازندران بودم یک شکل مخصوصی است گندم و جو و برنج در مازندران قسمت میدهنند بنیه کارپرای قسمت نمیدهنند در بعضی جاها در باغات قسمت نمیدهنند جریبی میدهنند صیغی کارپرای اصلاً بعضی جاها به مالک چیزی نمیدهنند و بعضی جاها اگر نمیدهنند بطور مقاطعه میدهنند در این قانون نوشته شده است که سه سال مخصوصی را مالک صورت بدھد دو عشر یا سه عشر سالدارد آن شخص چطور میتواند معین کند وقتیکه شما کاری که حقی ندارد صورت عایدی سه سال گذشته آن را صورت بدھد که یک رعیت پنج تومان یک رعیت ده تومان صیغی کاری گردد است و برای خودش هم بوده است حسابش را مسئولیتش را قبول کند؟! بمن هر قدری تحمیل میکنید بقدرتی باشد که در قدرتمن است من چطور علم را ایجاد کنم دارای علم غیب بشوم که رعیت در این مالک چقدر مخصوص داشته این یک تکلیف مالایطاًی است که بعقیده بندۀ نمیشود جریمه مهدوی - عملی نیست

رؤیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - اگر آقایان اجازه بدھند بندۀ یک نظری دارم عزم کنم بندۀ و هر کسی که طرفدار اصلاح مملکت شده است باید معتقد بشود که آسایش زارعین تأمین شود برای این که این

عقیده مستازه وضع اصول مسلمی دروضع قانون نیست عرض
کنم یک قسمت مهمی از این مملکت زراعتهای میشود که مالکین

بهیچوجه از آن اطلاع بیدا نمیکنند (صحیح است)
مازندران در دهاتش پنهان گندم جو و انواع زراعتهای

دیگر میکنند بدون اینکه مالک اطلاع داشته باشد در یک
موضوعیکه عایداتش به مالک نمیرسد هیچ دلیل ندارد

که دوات پیشنهاد کند یاقبیل کنیم که مسؤولیت آن
متوجه کسی بشود که خودش اصلاً عمل نیاورده است

بنابراینست که بنده میخواهم باطلاع آقایان بر سام که
همان استدلالیکه آقایان میکنند که مالک بملک خودش

علاوه‌مند است همان استدلال هم صحیح است که بگوئیم
در دادن صورت بر عایای خودش کمک میکند زیرا که

تحمیلاتیکه بر عایای وارد شود مستلزم تحمیل باو است
پس آقایان رو به مرفته مطمئن باشند که این تبصره هم

صلاح مملکت است هم عادله است وهم بصلاح رعایا
است صحیح است)

دشتی -- بنده تبصره را پیشنهاد میکنم چون مخبر
کمیسیون بحذف موافقت کرد بنده پیشنهاد میکنم

رئیس -- قسمتهای دیگر را به بینیم -- آقای دشتی
پیشنهادی کرده اند قرائت میشود

پیشنهاد آقای دشتی

بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلمه متصلی نوشته شود
بسیار

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم که تقاضای یک دقت و

و عنایتی دارم نسبت بعراض خودم (کازرونی) - بنده
حاضر برای شنیدن) و گمان میکنم حل بشود. دولت

دو منظور دارد منظور اولش این است که مالیاتش را

با این کیفیت بخصوص بگیرد و مسئله دوم یعنی منظور

دوم هم این است که محصول قراء مملکت ایران هم‌عین
شود بداتند قریه حسین آباد چه میزان محصل دارد

این منظور دولت است و غیر از این دو منظور نیست ما هم که
میخواهیم این دو منظور را تأمین کنیم یعنی هم دولت

بمالیاتش بر سردهم حقیقتاً بفهمد حسین آباد چه میتواند
دارد حسین آباد و عنایت آباد و غیاث آباد و تمام مملکت

بدهد و اگر این اظهار نامه خلاف واقع شد آن دهنده

عرض میکنم که راجع تعیین میزان محصول شتوی مالک
خودش اظهار نامه بدهد جریمه اش را هم قبول داشته
باشد و در کمال صفا مجازات هم بشود. در میزان صيفی
مالك که اعضاء میکند زیر این اظهار نامه را رعیت آن
ده هم زیر اظهار نامه را اعضاء کند اگر دروغی در ضمن
دارد متعلق بصیغی مربوط بشود بر عیت نه اینکه به مالک
مربوط شود و با آن کسی مربوط بشود که این بع را
میکارد این را موافقت بفرمایند خلاف عرض نمیکنم
هم دولت بمقصود خودش میرسد هم مردم در رفاه هستند
در کمال خوبی . لفظ رعیت هم آقایان را نلرزاند لظرف رعیت حادی
رنجبر رنجکش رنجین اینها نلرزاند شما را طرف یک
واقعی بروید حالا هر عایقی بر سر راه شما هست آن
عایق را بردارید خواه آن عایق مالک باشد خواه رعیت
باشد سیاه و سفید در مقابل فائزون فرق ندارد آقای دشتی
در مقابل اجرای قانون فرق ندارد (صحیح است) این
را گوی نخورید نلرزید لفظ رعیت همه عصبانی میشوند
رعیت دروغگو همان طور باید مجازات بشود که از پس

دروغگو مجازات میشود (صحیح است) تمام شد رفت
این تبصره بنده بود آقای وزیر محترم مالیه هم موافقت
بفرمایند آقای مخبر هم موافقت بفرمایند که این جر
و جنجال تمام بشود

بعضی از نمایندگان - صحیح است - بعضی دیگر
اینطور نیست - همه - زنگ رئیس (دعوت به کوت)

مخبر - رأی بکری بسته بنظر مجلس است

اورنگ - حالا پناه میرم بخدا

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - اینکه ما اینجا صحبت بگنیم که رعیت
یا مالک کدامشان راست میگویند و کدامشان دروغ بعفیه
بنده ضرورت ندارد این اعنتی که فعلاً در مملکت
دایر شده باید سعی بگنیم کاملاً دوام داشته باشد و در
نتیجه تکمیل و تزئید وسائل تولید ثروت همین رعیت را
ثروتمند بگنیم که اگر بخواهند دو من سه هن از مصوب
را کم کنند این قابل اعتراض نیست و بنظر بنده تبصره

ایران دو قسم میحصل در ایران دارد یکی شتوی است
یکی صیغی شتوی را هر مالکی بگوید اطلاع ندارم
دروع میگوید یک دفعه هم دروغ نمیگوید دویست دفعه
دروع میگوید حالا یکم زیادتر پنج من کمتر بالاخره
مالك از بهره که خودش میگیرد میگوید این پنج
قسم است در این ملک دو قسمش بهمن میرساند یکی
دو قسمش شد آن سه قسم دیگر شش معین است در
اطهار نامه سه قسم آن میروند روی دو قسم و می
نویسند اینقدر حالا این واقعاً نود من تبریز دروغ بگوید
یا پنج من اضافه بگوید این مقدور است ممکن است
آمدیم سر مسئله صیغی همه اشکال اینجا است حضرت
تعجب میکنم که چرا اینقدر در این باب اختلافات میشود
از اینجهت اگر مخبر کمیسیون باحذف این تبصره موافق
باشند بنده این تبصره را با اسم خودم پیشنهاد میکنم و قبول
میکنم و این پیشنهاد فعلی را هم مسترد میکنم
رئیس - پیشنهاد آقای او را نک
اورنگ - حالا این تبصره بنده است
پیشنهاد آقای او را نک

مقام عالی ریاست مجلس شورای ملی دامت عظمته
تبصره ذیل را بماده چهار پیشنهاد میکنم که مالک در
اطهار نامه میزان محصول شتویرا شخصاً تعیین و میزان
محصول صیغی را مالک و رعیت هردو مشترکاً مکلف بدادن
اطهار نامه هستند

رئیس - آقای او را نک

اورنگ - عرض کنم که تقاضای یک دقت و
و عنایتی دارم نسبت بعراض خودم (کازرونی) - بنده
حاضر برای شنیدن) و گمان میکنم حل بشود. دولت
دو منظور دارد منظور اولش این است که مالیاتش را
با این کیفیت بخصوص بگیرد و مسئله دوم یعنی منظور
دوم هم این است که محصول قراء مملکت ایران هم‌عین
شود بداتند قریه حسین آباد چه میزان محصل دارد
این منظور دولت است و غیر از این دو منظور نیست ما هم که
میخواهیم این دو منظور را تأمین کنیم یعنی هم دولت

بمالیاتش بر سردهم حقیقتاً بفهمد حسین آباد چه میتواند

- ۱۵ -

عملی تراست جامع ترا است و بهتر است (صحیح است) بعلاوه خواستم توجه آقایان را جلب کنم و مخصوصاً توجه آقای اورنکرا که در خیلی از جاهای محصل شتوی هم هست که مالک از آن حق نمیگیرد بنابراین این نظریات بود و خواهش میکنم آقا هم موافقت بفرمایند وزیر مالیه - بنده باید عرض کنم که در این بباب دولت بهیچ یک ازوجه زیاد علاقمند نیست فقط علاقه مند باین است که محصل را معین کند حالا آقایان میان خودشان اختلاف دارند آقای خبر گفت حذف تبصره را قبول کنید ممکن است تبصره قبل توجه بشود بکمیسیون برود یا اینکه آن یکی قابل توجه بشود بکمیسیون رفتن لازم نیست بنده عرض میکنم که یکی از این وجودی که دولت محصل را بوسیله آن بداند چقدر است باشد چه بواسطه اینکه دایره اشتباہ را که خود بنده ترجیح میدادم یکقدیمی وسعت بدهند و مالک آن تحقیقی را که ماءور دولت خواهد داشت و خواهد کرد خود مالک تحقیق بکنند و این یک چیز محال نیست که آدم بگوید فلان باغ در فلان جا ایگور دارد من نمیدانم مثل اینکه دربیش قفل دارد دربیش قفل ندارد میرود رسیدگی میکند تحقیق میکند از همسایه اش میپرسد و از کدخداش میپرسد بروند رسیدگی کنند بفهمند اگر اشتباہی کرد اشتباہی هم تا صدی ده صدی بیست صدی سی م Rafsanjaniarchive.org

بکنم ترجیح میدهم که مالک بدهد و میزان اشتباہ را که معاف است زیادتر کنند به حال میخواهم رای قطعی گرفته شود دشته - یکبار دیگر خوانده شود

یکی از نمایندگان - پس هر دو فقره قرائت شود مهدوی - مال آقای دشتی مقدم است

اورنک - تبصره آقای دشتی مقدم است

رؤیس - آقای دشتی پیشنهاد کوچکی کردن واستداد کردن و طرفداری کردن از تبصره قدیم و سه نفر آقایان شریعت زاده و آقای فرشی و آقای مهدوی هم پیشنهاد کردن تبصره قبل قرائت شود

بعضی از نمایندگان - قرائت شود رؤیس - (خطاب به آقای اورنک) میل دارید آن مقدم باشد؟

اورنک - بلی

رؤیس - آقای شریعت زاده پیشنهاد خود تائزرا بنویسید شریعت زاده - همان است که عرض کردم آقایان متوجه هستند همان تبصره بود که عرض کردم عملی تراست

رؤیس - آقای یاسائی

یاسائی - خرد خرد مطلب را آقایان میبرند روی یک چیز های غیر واقعی دولت از نقطه نظر کار مالیات میخواهد . مگر دولت از همین زارع مالیات میخواهد؟!

(همه نمایندگان - صدای زنگ رؤیس) باید مالک مالیات را بدهد احصایه محصلش را بدهد (همه)

مالکی که تواند احصایه ملکش را بدهد سفیه است (همه نمایندگان - صدای زنگ رؤیس). مالکی که تواند تحقیق کند عوائد ملکش چقدر است اگر یک چنین

مالکی پیدا شود مأمور مالیه هتر از آن مالک سفیه است که نداند عایدی ملکش چقدر است! (همه)

نمایندگان) پس او قیم لازم دارد! اول مجلس باید برای او قیم معین کند! شما مجازات و مسوایت قانونی تعلق بگیرد این تبصره هائیکه پیشنهاد شده است هر کدام از اینها را که مجلس رأی بدهد بنده قبول دارم و

و مقاطعه و اینها میبرید و متوجه رعیت میکنید! دولت

و مأمور مالیه بارعا یای دهات جار و جنبه‌الهار امین‌دازند

آن نظریه حاصل نشود اینست که بنده با این تبصره مخالفم به عوائد وزرایت و ترتیب محصول حقیقت طوری نیست که

رؤیس - نظر آقای خبر چیست؟

خبر - رأی قطعی گرفته شود

رؤیس - نیشود رأی قطعی گرفت

خبر - چرا؟

رؤیس - بفرمائید تا توضیح بدهم . پیشنهاد کردن که حذف شود حذف را خبر پذیرفت بنابراین از ماده

طبعاً محروم ماندیم سه نفر دیگر پیشنهاد میکنند افوده شود آگر باز خبر قبول بکند رأی قطعی میگیریم آگر تردید کندرأی بقابل توجه بودش میگیریم .

خبر - از همین جهت بنده قبول میکنم

اعتبار - بنده پیشنهاد تجزیه میکنم

رؤیس - یکقسمت دیگر میماند . مسئله دو عشر و سه عشر را خبر قبول کرد آقای مهدوی پیشنهاد میکنند کافی

السابق باشد

مهدوی - بنده آگر اکاری ندارم همان قسمت تبصره را پیشنهاد کردم .

رؤیس - پس حالا میباشد آقای بگیریم . آقای فولادوند هم پیشنهادی کرده اند پیشنهاد خود تائزرا تعقیب میکنند

و هست و همینصور رعیت هم توانست برای اینکه آن پیچرده دچر جریمه نشود نیزج دوات میکنست درین

جور موادر معمور میزی بفرستد که مالک مجازات شده باشد و نه رعیت (اورنک - عذر نیست) اجازه بفرماید ام اینکه آقای اورنک و پالتسه دیگر از آقاییت فرمودند که فقص در قسمت صیغی میکنست مالک اخلاع نداشته باشد و در شتوی حق تصریح اخراج دارد بنده عرض میکنم اینصورت نیست بفرمایش دارم هم عرض میکنم این قسمت خوزستان که حاصلخیز تر از تمه تقاط این ملک است بمالکین آنجو مراجعه بفرمایید آنجا جفت گار را خیش میگویند هرسوم است که یک خیش بیست و پنج قران الى سه تومن بمالک میدهد از صیغی شتوی را بنام دیگری نمیشود مسؤول و جریمه برای او قرارداد از

پیشنهاد آقای فولادوند

بنده پیشنهاد مینمایم هر قسمت از منافع ملک که مورد اختلاف بشود و رعیت و مالک مسئولیت آنرا قبول نمایند دولت ممیزی نماید

وریر عدیله (آقای داور) - نشنیدیم .

رؤیس - دوباره بخواهید

(پیشنهاد آقای فولادوند ثانیاً خوانده شد)

رؤیس - آقای فولادوند

فولادوند - غرض عرض بنده این است بقدرتی مذاکرات شده است که بنده حالا غرض این نیست تصمیع عرض کنم اولاً این قضیه خیلی منطقی است که دیگری را بنام دیگری نمیشود مسؤول و جریمه برای او قرارداد از

کائن ما کان هر چه بکارند مالک اخلاعی ندارد و درین

هیچ قاعده نیست که مالک را برای آنها مسؤول قرار بدهید خود رعیت هم که هیچ اطلاعی از ممیزی یا از بودجه زندگانی خودش ندارد که او را جریمه کنند در اینجور موارد دولت مامور بفرستد ممیزی کند

رئيس - آقایانیکه پیشنهاد آقای فولادوند را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده کمی قیام نمودند)

رئيس - قابل توجه نشد رأی میگیریم به ماده بطور تجزیه اول بماده بدون تبصره آقایان موقوفین یقیم فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئيس - تصویب شد رأی میگیریم به تبصره مستقل موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئيس - تأمل بفرمائید (برای دقت در عده حاضره در مجلس) - تصویب شد رأی میگیریم بماده و تبصره توأمًا موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئيس - تصویب شد ماده ششم قرائت میشود
ماده ششم - در صورتیکه میزان محتول املاک و یا عایدات آنها که در اظهار نامه درج شده مورد تردید امنای مالیه وقع شود تشخیص عایدات حقیقی بتصدقی خبره مرضی الطرفین یا دو خبره از طرفین بعمل خواهد آمد و چنانچه بین خبره ها توافق نظر حاصل نشد پنج نفر از معتمدین محل از طرف اداره مالیه پیشنهاد مالک یا نماینده او یکی از آنها را انتخاب خواهد نمود و رأی سه نفر خبره مزبور با کشیرت قاطع خواهد بود در صورتیکه دهنده اظهار نامه در تعیین خبره پیش از یکمیته پس از تقاضای اداره مالیه اقدام به تشخیص عاید حقیقی ملک و مالک خواهد نمود و در اینصورت خیار ج مامورین اعزامی از طرف مالیه از اظهار نامه دهنده اخذ خواهد شد

تبصره ۱ - در املاک ممیزی شده که ممیزی آنها مورد اعتراض دولت و مالک واقع نشود دادن اظهار نامه

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

مالیات دولت را تمیده استنکاف میکند از او هفت تومان بگیرند اما یکنفر میگوید بنده اطاعت دارم مالیات دولت را میدهم هزار تومان عایدات من است سی و پنج تومان را

رئیس - رأی میگیریم بماده ششم موافقین قیام فرمایند
(اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده هفتم قرائت میشود.
ماده هفتم - در صورتیکه پس از تشخیص محتول ملک و عایدات مالک بطرز مذکور در ماده ۶ معین گردد که دهنده اظهار نامه محتول ملک را بیش از دو عشرو یا عایدات مالک را بیش از یک عشر کمتر از عوائد حقیقی قلمداد کرده است در مورد اول دو برابر و در مورد ثانی پنج برابر مبلغ و مقداری که مابه التفاوت عواید حقیقی و عواید بطرق اظهار نامه است برای یک دفعه بعنوان جزای نقدی از دهنده اظهار نامه مأخوذه خواهد شد.

رئيس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - خیلی خوش قدم که مخصوصاً آقایان وزراء همه تشریف دارند و خواهش میکنم بعرض بنده یک دقتی بگنند عرض کنم همینطوری که آقای وزیر مالیه فرمودند بنده هم عقیده ام این است که دروغگو بسیار بدآدمی است یک خلاف شرعی مرتکب شده و فاسق هم است (کازرونی - هر که میخواهد باشد) هر که میخواهد میبینم در هر دهی در هر قریه در هر قطعه ملکی این اختلافات از اول خواهد بود و همه روزه این مطلب تمام شدن کنم دولت و رعیت خواهد شد و ابدأ اینه داشته باشد عرض کنم که ما اینجا قرارداد کردیم که اگر یک کسی مستنکف شد یعنی مالیات دولت را نداد یکمای اگر معطل کرد یک عشر دو ماه اگر معطل کرد یک نیم سه ماه اگر معطل کرد یک عشرونیم بالاخره دو عشر و اگر تخلف کرد چه کنیم دو عشر از مالیات را اضافه بگیریم. حالا عرض کنم چه میشود بنده یک مثالی میزنم زیدی هزار تومان عایدات داشته باشد بدهد سی و پنج تومان آمد و نداد چهار ماه هم طول کشید چه جرمی از او بگیریم هفت تومان دو عشر آن علاوه میشود چهل و دو تومان از ش مالیات میگیریم در حالتیکه در اینجا چه نوشته نوشته است مستنکف، مستنکف کیست آن کسیکه امتناع بکند بطور تکبر یعنی مستنکف در لغت اینست (امتنع استکباراً) یک کسی که جلو دولت مقاومت میکند باشد آنچه اختلاف کرده است مطابق قوانین مجازات

عمومی ضعف پول را ازش میگیرند لکن آن دروغ گفت
ینج برابر حقوق دولت را ازش میخواهند. این است
که بنده پیشنهاد کردم ینج برابر تفاوت مالیات را
ازش بگیرند.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب موافقید:

آقا سید یعقوب - خالق

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - خالق

رئیس -- آقای اورنک

اورنگ - بنده موافقم خیلی هم موافقم

رئیس -- بفرمائید

اورنگ - عرض می کنم حضور محترمان که
یک چیزی را از آقایان انصاف میطلبم یک مرد محترم
خیلی هم سواد دارد علم دارد شصت سال هفتاد سال رفته
توصیل علم کرده عالمش هم منفعت میدهد بجامعه تمام
هنر های دنیا را تحصیل کرده است از هر هنری هم
آدم مستحب میشود سر نویس این آدم سه شاهی دزدی
کرده است خدا و رسول خدا و همه شرایع در عالم
گفته اند این آدم را با تمام این هنرها بیاورند دستش
را اینطور قطع کنند (فیروز آبادی - سه شاهی نیست
اینطور) بسیار خوب آقا سیصد دینار دزدی کرد نه شاهی
کرد سه هزار کرد. یکی سه قران دزدی کرد (فیروز
آبادی - ربع دینار زیادتر) برای این اشکال آقا آن
دزد فرض میکنیم زیادتر دزدی کرد
(همه نهادکان)

حالا انصاف این است که یک همچو دست پرهیزی
را بیاورند بگذارند اینجا و دستش را قطع کنند. این
اصاف است؛ ولی قانون میگوید این است دیگر قیمت
ندارد قیمت تا وقتی داشت که اینطوری طرف دزدی نمیرفت
راست میرفت، کج نمیرفت. شما قبول دارید که این
آدم آمده است دروغ گفته برای چه دروغ گفته؟ برای
اینکه تا خودش عمر دارد تا پسرش عمر دارد نوی اش
عمر دارد طایفه اش عمر دارد مالیات بخزانه مملکت و

چیزی که به بنده عاید می شود صدمان است هزار
تومان است صدهزار تومان است بنده کار ندارم اگر
بخواهم راستش را نگویم مطابق همین مقررات باید
مجازات شوم چون اطلاع کامل دارم. بنده هزار
تومان عایدی داشتم گفتم پانصد تومان دولت آمد و
تابت کرد که من دروغ گفتم البته باید مجازات شوم که
بعدها دیگر دروغ نگویم و عدت باین کار رزیمه نکنم
چرا که عدت بدروع بسیار بدانست ولی بنده عرض
میکنم بهینم آیا حقیقتاً یک قانونی که در مملکت تصویب
می شود و اینها در حدود اقدار بنده هست که بنده
راست بگویم آنوقت پیائید شما من مجازات بگنید بنده
عرضن میکنم که تشخیص محصول مالک (تا بعد خیلی
کفتوگو شد و آقایان مالکین هم اینجا هستند) بعقیده
بنده نه زارع میتواند معین کند نه مالک الان هم لاتی
در این موضوع دارم که تابت بگنم. بنده یاسایر مالکین
یا فلان زارع ایرانی اساساً نمیداند که یک جریب مالک
چقدر محصول میدهد حالا چرا نمیداند؟ بنده نمیخواهم
اینجا بگویم که چرا نمیداند، نرا کت به بنده اجزه نمی
دهد که عرضن کنم وسائل فراهم نیست. دولت آمد
قانون میزی را از مجلس گذراند آمدن گیلان را
میزی کردن تمام گیلان را الان خود آقی تقی زاده
اگر مراجعته بگنید بصورت میزی خواهد دید تمام
گیلان مساحی شده است یک جریب ملت بدون مساحت
اسناد در گیلان صورت خارجی ندارد زنی آمدن
پارسال دو سال قبل در محصول ملت ما بین مالیه و مالکین
اختلافی واقع شد مالکین گفتند که یک جریب ملت را
که ما ذرا عات میکنیم بیست من ما از پنجده من میبریم و
سی من زارع ملت چقدر حاصل میدهد؟ مالک میگوید
بنجاه من دولت میگوید صدم میشون این اختلاف شد و لآخره
هزارع نه مالک نه مأمورین توانتند تشخیص محصول
ملک را بدهند. بالاخره دولت چه کرد دولت آمد میز
خواست مساح خواست بروند یک بلوکی مثل بلوك
که خدمات آنها بازهم توانتند عایدات یک جریب را
بنجور سخت معین کند و رفته یک دهات مرغوب تری را
میزی کردن محصول حداقل را معین کردن یک دهاتی
که املاکش مرغوب بود سراب بود رعیتش خوب بود

بنده اساساً استطاعت پرداخت این جریمه را ندارم آقا جریمه را موافقت بفرمایید در حدود امکان در حدود توائی بنده باشد اگر یک خطای کردم یک کاهی کرم یک دروغی گفتم آنوقت مجازات را درحدود امکان معین کنید این است استدعای بنده.

وزیر مالیه - حقیقته این مسئله درواقع اسباب تعجب بنده است که اولاً تمام دقت ها و اصلاحات در اینکه محصول را نمیتوانیم بگوئیم چطور معین کنند همه این اختلافی بشود خبره مرضی طرفین معین شود اگر مالیاتی هم باید بدهد خودش بیاورد بدهد آنوقت اگر دروغ گفت باعث این میشود که بواسطه این خلافش در مالیات دولت نکس میشود وارد میشود آنوقت برای یک دفعه باندازه مالیاتش مهمی وارد میشود که همیشه ازش این است که هر چه میتوانید در اصل مطلب مذاکره بفرمایید فلان کار ترتیب این محصول اینطور باشد ترتیب تعیین عایدات مالک اینطور باشندیم عشر جریمه با سه ربیع عشر جریمه در فلانجا وقتی تأخیر کرد و فلان چیز وقتی آن معین شد و بثبوت رفت و در آنوقتی که جریمه باو تعلق میگیرد و مجازاتی باو تعلق میگیرد که این کار صحیح واقع نشد آنجا دیگر نباید چانه زد وقتی که مقصود طرفین حاصل شد که این کار باید اینطور بشود و راه این را پیدا کردیم که مباداً کسی اشتباه کند در عایدات خودش گهیم بلي هیئت‌واند تا صدی ده هم اشتباه کند بعداز همه اینها اشتباه هم نکرد و عمداً خطأ نزد خلاف نکرد دیگر در مجازاتش نباید آقایان چانه بزنند زیرا این باعث این میشود که خود قانون سست و لغو شود این چیزی را که ایشان توضیح دادند و آقایان دیگر هم تکرار میفرمایند که مطابق مالیاتش باید جریمه شود بنده قبول دارم ولی اگر مطابق مالیاتی که مدامی که بهش تعلق میگیرد جریمه شود که اگر کسی دروغ گفت و آن دروغش باعث این شد که از مالیاتش ده تومان کسر شود باید جریمه اش را باندازه مالیات اضافه نکنند ناچند سال دیگر. ولی این کار واقع نمیشود ایشان میفرمایند کسی اختلاس کرد دو برابر جریمه میگنند برای اینکه او یک دفعه اختلاس کرده است ولی اینجا این شخص سبب میشود بواسطه

و اینها آنچه اینکه زاگرفند بنده بالآخره دولت هم با اینکه تمام وسائل را فراهم کرده بود توانست حاصل یک دهانی را معین کند که محصول عاید این دهان چیست آنوقت آمدند یک بلوکی را حداقل معین کردند یکی راهم حداقل. این حداقل و اکثر را برای یک جریب معین کردند الآن عمل معیزی گیلان روی چیست؟ روی همان چیزی است که دولت حداقل و اکثر معین کرده از روی همان حداقل است نه در این موضوع زارع میتواند محصول را معین کند نه مالک میتواند معین کند این در عمل خودتان هم مصادف با این مشکلات خواهد شد بنده حقیقتاً نظرم با این است که نهاینده هست و رفع اشکال بشود که فردا این قانون هم در مملکت عملی نخواهد شد. عرض کردم یک حدی را برای بنده که مالکم یا زارع هستم حدی را معین کنید که بتوانم من راست بگویم اگر دروغ گفتم حالاً یازارع است یا مالک است یا متصدی است یا مستأجر است اینه باید مجازات شود. بنده عرض میکنم که شما تشخیص موضوع را بدھید بهینه میتوانید محصول کل یک جریب مالک یادهای را معین کنید آنوقت این ماده را بنویسید بعلاوه در تشخیص جریمه همان طور که دیروز آقای آقایدیعقوب و امروز آقای مؤید احمدی فرمودند این هم عملی نیست برای خاطر اینکه همان طور که خود آقا حساب کرددند هزار تومان بنده آمدم عایدات کل را هم بطور تخمین معین کردم اگر فردا مأمور مالیه اظهارنامه برای من می آورد بنده که مالک هستم نمیتوانم معین کنم خودم تقریبی معین میکنم حالاً آن تخمین و تقریب سه عشر باشد چهار عشر باشندیج عشر باشد بنده نمیتوانم راست بگویم یعنی وسائل راست گفتن برای بنده فراهم نیست. عاجز از راستگوئی هستم قادر نیستم چیزی را که بنده قادر نیستم اساساً من نمیتوانم راست بگویم این مجازات نباید شود هزار تومان اول دو عشر بود حالاً سه عشر شد هزار تومان همانطور که حساب کرددند صدی سه و نیم مالیات میگیرند بنده اگر آمدم گفتم چهل من یعنی با این تربیی که نمیتوانم راست بگویم شما باید بپنج مقابل چهل را از بندۀ مالیات میگیرید بنده از کجا بیاورم دو مرتبه مالیات بشما بدهم

عمداً دروغ خواهد گفت با این بیانی که ما معین کردیم و اگر اشتباه نیکنم دیگر هیچ خلافی نیست در اینکه اگر کسی خلاف کارش دید و بدولت و عایدات مملکت عمداً خواست صدمه برساند دیگر این قجزیه را صدی یک و صدی یک هم یک عشر دیگر چیزی نمیماند که اینهارا مجبور بصدق بکند خوب است این ماده را که یک جریمه البته برای یک دفعه برای کسانی که خلاف میکنند در این مقرر ای نیست و تخلف میکنند قبول بفرمایید در اینکوند مواد که هست و تخلف میکنند در این مقرر ای نیست و تخلف میکنند قبول بفرمایید در اینکوند مواد بیشتر از این مذاکره محل ندارد در هرجانی که واقعه یک اشکال حقیقی بود بنده خودم موافقت کردم و اشکال را تصدیق کردم و راه حلی پیدا کردیم ولی در مسئله نقض و تقلیل جریمه و مجازات بنده هیچ موافقت ندارم جمعی از نمایندگان - کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای مؤید احمدی فرائت هیشود بنده پیشنهاد میکنم آخر ماده هفتم این قسم اصلاح شود.

در مورد اول دو برابر و در مورد ثانی پنج برابر مبلغ و مقداری که مابه التفاوت مالیات از عوائد جنسی است برای یک دفعه بعنوان جزای نقدی از دهنده انتہار نمایم خواهد خواهد شد

رئیس - بفرمایید

مؤید احمدی - یعنی عنین عبارت است فقط لفظ مالیات را علاوه کردم مبلغ و مقداری که مابه التفاوت مالیات از عوائد حقیقی است تقریباً یک مرتبه بگیرند که تقریباً پنج برابر مالیاتش میشود این است پیشنهاد بنده و فرمایشات آقا مالیاتش میشود هم بنده را قاعنکرد چون بعرض بنده توجه نکرددند بنده عرض این بود که باید مجازات مطابقت با کند با تصریف مقصص متمرد را دو دو عشر کرفتید تصریف دروغگوئی را پنج برابر بگیرند زائد بر این بی انصافی است بن است پیشنهاد بنده.

رئیس - با عده موجوده در مجلس و عده که در خارج مجلس بحال متنظره داریم حساب میکنیم که

آقای خبر قبول کردند ما هم رأی گرفتیم ولی در ماده چهارم هیچ محلی برای کذاشتن این عبارت وجود ندارد (آقا سید یعقوب - جایش اینجاست) پس بنظر بند
باید موافقت کنید از اینجا بر داشته شود کلمه لغوی است و اگر باید افزوده شود جایش در ماده هفت است
(صحیح است)

(مجلس یک ساعت بعداز ظهر ختم شد)
رئيس مجلس شورای ملی - دادگر

بنده منتظر آنها بودم جمعاً بعد کافی برای رأی نمیرسد (صحیح است) یعنی ما هفتادو نه نفر میخواهیم هفتادو دو نفر در اطاق داریم پنج نفر در خارج جمعاً هفتادو هفت نفر رأی نمیتوانیم بگیریم و بنا بر این جلسه را ختم میکنیم جلسه آتیه فردا سه ساعت و نیم قبل از ظاهر موافقت بفرمائید یک کمی زودتر (صحیح است) و دستور بقیه دستور امروز یک عرضی هم دارم فراموش نشود در پیشنهادی که در ماده چهار آقای اعتبار کردند دو عشر و سه عشر